

تاکید مهم‌ترین نهاد نظارتی بر خلأ قانونی ساترا، باب بحث‌های قدیمی درباره شفافیت قانون‌مند شده نظارت در شبکه نمایش خانگی را بازمی‌کند

# راز مهمی که شورای نگهبان تایید کرد

صفحه ۱۲



طبق آخرین نظرسنجی‌ها روحانی یک‌چهارم رئیسی مقبولیت دارد

## فقط معجزه منتقدان اورا احیا می‌کند

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
۵۰۰۰ تومان

فصل چهارم را با موضوع:  
روایت‌های جنگ



شماره مسلسل ۲۷۵۶  
دوشنبه ۶ آذر ۱۴۰۲  
۱۳۰۰ جلدی تا دیوانه  
۲۰۲۳ نوامبر  
شماره ۴۰۱۸

www.fdn.ir | Mon | 27 Nov 2023 | vol.15 | No. 4018 | 16 Pages

قصه تکراری آلودگی هوا در کلان‌شهرها با وجود مدیریت یکپارچه همچنان وجود دارد

# بهانه از مازوت هم بیشتر راست

عکس: علی حطایی امیر

صفحه ۲

دو عضو اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## صنعت فرش هم تحریم آمریکاست هم تحریم داخلی

۱۶، ۱۵

## چند قطره مقاله در برابر دریا

سهام ایران از تولیدات علمی حوزه دریایی دنیا فقط ۱/۵ درصد است

۴، ۵

در دسر جدید برای اروپا و آمریکای روتوش شده؛ در آرزوئین و هلند چه اتفاقی افتاد؟

## خیزش راست افراطی از دنده چپ

۸

## تحولات افغانستان؛ هفته‌ای نگران‌کننده برای حوزه فرهنگ و تمدن فارسی

که برخی با نیت برون‌زنی روابط میان شیعیان و امارت اسلامی طالبان دست به چنین اقداماتی می‌زنند، چندان هم بی‌ربط و خارج از چهارچوب به نظر نرسد. اما سوال اساسی این است که طی دو سالی که از استقرار امارت اسلامی در افغانستان می‌گذرد، چرا هیچ یک از عوامل این اقدامات و ترویرها توسط طالبان شناسایی و دستگیر نشده‌اند؟ در این راستا حکامان کابل حتی برای ظاهر سازی هم که شده هیچ‌گونه سعی و تلاشی از خود نشان نداده‌اند تا حداقل این امیدواری به وجود آید که آنها پیگیر چالش‌های امنیتی شیعیان هستند. نتیجه این است که وقوع چنین رخدادهایی به همراه تحولات دیگری همچون حذف شیعیان از ساختارهای سیاسی همچون شورای علما، در نهایت منجر به تقویت احساس سرخوردگی شیعیان از امارت اسلامی طالبان خواهد شد.

**۳. حوزه فرهنگی و تمدنی:** اما مهم‌ترین و در عین حال درناک‌ترین تحولات افغانستان در روزهای اخیر را باید در حوزه فرهنگی و تمدنی جست‌وجو کرد. از زمان استقرار مجدد نظام طالبان در افغانستان گزارش‌ها و اخبار متعددی در زمینه تلاش‌ها برای تضعیف حوزه فرهنگ و تمدن فارسی در این کشور منتشر شده است. در روزهای گذشته نیز وقوع برخی رخدادها موجب تقویت این باور شده است که طالبان به دنبال فارسی‌زدایی از تاریخ و فرهنگ افغانستان هستند. نخستین بحث‌ها در این زمینه وقتی مطرح شد که ملا برادر، معاون نخست‌وزیر طالبان به رغم بهره‌گیری دو کشور از حوزه تمدنی و به ویژه زبان مشترک، با یک مترجم زبان فارسی در تهران حاضر شد. عدم استفاده او از زبان فارسی آن هم در شرایطی که تسلط کاملی بر آن دارد، می‌توانست چه مفهومی داشته باشد؟ پاسخ این سوال را احتمالاً بتوان در برخی اقدامات اخیر طالبان در داخل افغانستان جست‌وجو کرد. در این راستا تخریب نگاه سنگ‌کاری شده مولانا جلال‌الدین بلخی در مزار شریف با تازاب منفی فراوانی در میان مردم و دوستداران فرهنگ و زبان فارسی بر جای گذاشت، البته طالبان پیش از این هم نسبت به تخریب بناهایی معروف به «دیوار نخبگان» اقدام کرده بودند؛ دیواری که تصاویر و آثاری از ۲۰ نفر از شعرا و ادیبان فارسی را در خود جای داده بود. مقارن با تخریب سنگ‌نگاره مولانا، رئیس تازه منصوب شده دانشگاه بلخ هم در دستورالعمل صریح به‌کارگیری و استفاده از هرگونه واژه بیگانه در مکاتبات این دانشگاه را ممنوع اعلام می‌کند؛ البته نکته بسیار درآورد ماجرا این است که او در حالی واژگانی چون دانشگاه و دانشکده را بیگانه برمی‌شمرد که در متن دستور خود از به‌کارگیری واژه‌ای مانند «ترانسگریپت نمرات» ابایی ندارد.

در هر حال توجه به چنین مواردی باعث شده تا بسیاری از ادبا و علما و همچنین دوستداران زبان فارسی در افغانستان نسبت به آینده زبان فارسی در افغانستان هشدار دهند. بر همین اساس در جریان برگزاری سی‌ویکمین هفته کتاب در تهران که با شعار «آینده خواندنی است، برگزار شد، آقای کاظم کاظمی یکی از مفخر ادبیات فارسی افغانستان، در بیانی هشدارآمیز اعلام می‌کند که با توجه به روندی که در حال طی کردن آن هستیم، آینده در افغانستان نه خواندنی، بلکه «ترجمه کردنی» خواهد شد. ابوطالب مظفری یکی دیگر از شعرا و اساتید حوزه ادبیات فارسی افغانستان هم در گفت‌وگویی نسبت به آینده زبان فارسی و احتمال رخدادی مشابه با آنچه که برای این زبان در هند رخ داد تذکر داده و با روایت کنونی این نسل را احتمالاً آخرین نسل شعرا و ادبای زبان فارسی در داخل و خارج از افغانستان برمی‌شمرد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که نگاه فارسی‌زبانان و ادبای زبان فارسی در افغانستان به ایران و عکس‌العمل‌هایش در برابر این اقدامات طالبان دوخته شده است. اگرچه برخی خبرها حکایت از این دارد اقداماتی در حمایت از زبان فارسی در افغانستان از سوی جمهوری اسلامی صورت گرفته است، اما به طور قطع با توجه به هجمه‌ها، نیازمند کاری دقیق‌تر، شفاف‌تر و با قوت بیشتر هستیم.

یادداشت

**میراحمد رضا مشرف**  
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهایی که تحولات سیاسی و نظامی در غزه توجه اکثر رسانه‌های خارجی و داخلی را به خود معطوف کرده است، در افغانستان نیز شاهد رخداد‌های مهمی بوده‌ایم که می‌توان آنها را در چهارچوب چند حوزه معین مورد تفکیک و بررسی قرار داد:

**۱. حوزه سیاسی:** طی روزهای گذشته شاهد دورخداد مهم در حوزه تحولات سیاسی افغانستان بوده‌ایم؛ رخدادهایی که به ظاهر در دو مسیر کاملاً متمایز به وقوع پیوسته و هر یک می‌تواند وضعیت متفاوتی از شرایط این کشور را ترسیم کند. انتشار گزارش «فریدون سینزیرو اوغلو» نماینده مستقل دبیرکل سازمان ملل در رابطه با اوضاع فعلی افغانستان یکی از همین موارد بود که با تازاب‌های زیادی را به دنبال داشت. در این راستا اگرچه طالبان منتقد بخش‌هایی از این گزارش به ویژه مواردی چون تشکیل یک گروه تماس، پایبندی طالبان به تعهدات بین‌المللی، لزوم تشکیل دولت فراگیر و گفت‌وگوی بین‌الافغانی بودند، اما از کلیت گزارش راضی به نظر می‌رسیدند؛ چراکه از یک سو دنیا را به تعامل هر چه بیشتر با طالبان فرامی‌خواند و از سوی دیگر بر حل سریع معضلاتی مانند دارایی‌های مسدود شده افغانستان و بازنگری در رژیم تحریم‌ها علیه این کشور تاکید داشت. بدین ترتیب در شرایطی که این گزارش پیشرفت بزرگی برای طالبان به شمار می‌آمد، گروه‌های مدافع حقوق بشر، حقوق زنان و دیگر مخالفان طالبان عکس‌العمل منفی شدیدی در برابر آن نشان داده و توصیه‌های آن را به مباحثات و تعامل با طالبان تعبیر کردند.

اما در حالی که به نظر می‌رسید گزارش نماینده دبیرکل سازمان کفه سیاسی را به سمت طالبان سنگین می‌کند، برگزاری نشست در مسکو با حضور مخالفان برجسته امارت اسلامی طالبان از جمله احمد مسعود، می‌توانست پیامدهایی معکوس برای آنها به دنبال داشته باشد. صرف‌نظر از اینکه جلسه به دعوت یکی از احزاب سیاسی روسیه و در غیاب مقامات برجسته دولتی این کشور برگزار شد و همه مخالفان طالبان نیز در آن حضور نداشتند؛ نفس برگزاری آن در یکی از کشورهای بزرگ ذی‌نفع در مسائل افغانستان درخور توجه بوده و ناکامی برای طالبان تلقی می‌شد. عکس‌العمل سخنگوی طالبان در مذمت اقدام روس‌ها در میزبانی از مخالفان شان هم دقیقاً در همین راستا قابل توجیه و تفسیر است، به ویژه با در نظر گرفتن این مهم که به فاصله کمی بعد از برگزاری این اجلاس، شاهد وقوع چندین انفجار در کابل و برخی دیگر از ولایات افغانستان و در واقع قدرت‌نمایی مخالفان طالبان بودیم. اما شاید سوال مهم این باشد که آیا می‌توان در میان این دو تحول متفاوت خط ارتباط و اتصالی برقرار کرد؟ هر چند پاسخ صریح دشوار به نظر می‌رسد، اما این تحلیل دور از ذهن نیست که انتشار گزارش سازمان ملل و بالا رفتن احتمال شناسایی طالبان از سوی آمریکا و جوامع غربی، روسیه را به سوی انجام یک مانور سیاسی هشدارآمیز به طالبان و در کنار آن آمریکا و غرب سوق داده باشد.

**۲. حوزه امنیتی:** اقدام تروریستی در به شهادت رساندن دو عالم برجسته شیعه در هرات را شاید بتوان مهم‌ترین تحول امنیتی افغانستان در روزهای اخیر برشمرد. اگرچه هیچ گروهی تاکنون مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته و حتی احتمال آن وجود دارد که همچون گذشته داعش مسئول شناخته شود، اما نتیجه هرچه که باشد چیزی از بار مسئولیت طالبان در این مورد کم نمی‌کند. در چند هفته اخیر حملات تروریستی به جامعه تشیع افغانستان به شدت آوج گرفته چنان که در کنار ترور اخیر می‌توان به چندین انفجار تروریستی در مساجد و دیگر اماکن تجمع آنها اشاره کرد. در وهله اول شاید ارائه این تحلیل

انسانی داشت و هم تلاش بی‌وقفه‌ای که برای خروج دانشگاه فرهنگیان می‌کرد. اما خب حال‌که عمق نابسامانی‌ها و ناآرامی‌های مدیریتی در حوزه آموزش و پرورش بیشتر هم شده، بد نیست امثال فانی و همکارانش ماهی خودشان را از این آب گل‌آلود بگیرند.

مرور برخی اظهارات برای شرح این تناقض‌گویی‌ها هم بد نیست. خاظم هست چند سال پیش، حمیدرضا حاجی بابایی، یکی دیگر از وزرای آموزش و پرورش کشور در تشریح علت وضعیت نابسامان کلاس‌های درس و کمبود معلم در کشور با اشاره به نقش فانی در وضعیت پیش‌آمده گفت: «چرا باید به روزی بیفتیم که همین دوستانی که در سال ۹۲ به ما اعتراض می‌کردند و می‌گفتند همه حق‌التدریسی‌ها، نهضتی‌ها، خدماتی‌ها و آشپزها را معلم کرده‌اند، امروز به جایی برسند که شاهد باشیم در بسیاری روستاها مدارس نوبت اول دبیرستان به علت نداشتن معلم تعطیل شده‌اند. نرم ۲۲،۵ دانش‌آموز در هر کلاس به بالای ۳۰ نفر رسیده است. چرا دانشگاه فرهنگیان را تعطیل کردند و کار به جایی رسید که رهبری به دانشگاه فرهنگیان رفتند؟ اینها را باید پاسخگو باشند. اینها معتقد بودند که باید آموزش و پرورش را به بخش خصوصی بدیم، لذا معلمان بازنشسته می‌شدند و جای آنها معلم نمی‌گرفتند.»

لب مطلب اینکه جامعه انتقاد به وضعیت آموزش و پرورش در کشور به تن بعضی‌ها زیادی زار می‌زند. امثال علی‌اصغر فانی که خود سبب‌ساز وضعیت موجود و کمبودها در تامین معلم برای کلاس‌های درس هستند و راهکارهایی هم برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه می‌کنند و همچنان هم برخلاف سیاست‌های کلان کشور و مدنظر رهبری شان دانشگاه فرهنگیان و تربیت‌دبیر شهید رجایی را رعایت نمی‌کنند، بهتر است گذشته را مرور و از تک‌تک دانش‌آموزانی که همچنان بعد از گذشت سه ماه از آغاز سال تحصیلی معلمی سر کلاس شان نیست یا به خاطر ایدئولوژی وزرای آموزش و پرورش مبنی بر خصوصی‌سازی آموزش و کاهش هزینه‌ها مجبور به نشستن پای حرف و تدریس معلمان آموزش ندیده و کم‌کیفیت هستند، عذرخواهی کنند و به این سوال هم پاسخ بدهند که اگر پیشنهادی برای بهبود شرایط هست، چرا همان موقع به کار گرفته نشد تا به این روز و احوال نرفتیم.

قبل‌تر هم گفتیم و حالا هم مرور می‌کنیم که گره مسائل و مصائب موجود در نظام آموزش و پرورش کشور چیزی فراتر از این کمبودها و آن مازادهاست. مساله در نوع نگاه به نظام آموزشی در منظومه فکری وزرای است که هرکدام در زمان تصدی مسئولیت یک هدف را دنبال کردند و آن هم کاهش بار روی دوش این وزارتخانه و برون‌سپاری هم‌وغم خانواده‌ها برای تزهایی سرمایه‌دارانه است؛ گرهی که چپ و راست، انگیزه‌های برای باز کردن آن ندارند.

## موضع فان فانی

یادداشت

روز گذشته یادداشتی از علی‌اصغر فانی، از وزرای آموزش و پرورش دولت حسن روحانی در صفحه اول روزنامه اعتماد منتشر شد که علی‌رغم اهمیت بالایی که داشت، زیر سایه حواشی ایجاد شده حول تیتراژ یک این روزنامه، آنطور که باید به آن توجه نشد و من را یاد یک حکایت مشهور انداخت. نقل است یک افسر آلمانی که در جریان جنگ جهانی دوم از کارگاه پیکاسو در پاریس دیدن می‌کرد، وقتی نگاهش به تابلوی گرتریکه افتاد از آشوب نوگرایی‌ها ای که در این نقاشی مشهود بود یک‌ه‌خور و از پیکاسو پرسید: «این کار شماست؟» و پیکاسو آرام پاسخ داد: «نه، کار شماست!»

حقیقتاً بعد از مرور خط به خط این یادداشت انگشت به دهان مانند که چطور می‌شود یکی از اصلی‌ترین مسببان بحران تامین معلم در نظام آموزشی کشور، ضمن خاطره‌بازی با زمان مدیریتش در وزارت آموزش و پرورش سهمی از نابسامانی موجود را گردن نمی‌گیرد و تازه به وضعیت موجود منتقد هم هست و سیاست‌های کلان تربیت معلم را هم زیر سوال می‌برد.

علی‌اصغر فانی که در سال ۹۲ و در زمان مدیریتش در وزارت آموزش و پرورش ناظر به مساله استخدام معلم گفته بود چند هزار معلم مازاد داریم، حالا منتقد کمبود معلم در کشور شده و تز مدیریتی هم برای اداره نظام آموزشی کشور می‌دهد. فانی که همان سال‌ها و بعد از آن بارها و بارها حرف از مازاد معلم و نیرو در آموزش و پرورش می‌زد، در زمان مدیریت خودش بر نظام آموزش و پرورش کشور بیش از ۱۲۰ هزار معلم بازنشسته شدند بدون اینکه جایگزینی داشته باشند و مضاف بر این هر ترفند و سیاستی را هم پیش گرفتند تا به جایگاه و نقش دانشگاه فرهنگیان لطمه بزنند و این مسیر را برای تربیت و تامین معلم بایکوت کنند. منتها حالا قلم‌فرسایی می‌کنند و در جایگاه دانای کل، نسخه انتقادی و پیشنهادی برای وضعیت موجود و راه‌های برون‌رفت از آن می‌نویسند. آنقدر هم خیال‌شان راحت است و دلخوش، به ضعف مدیریتی در نظام آموزشی کشور واقفند که ابایی از این تناقض‌گویی‌ها ندارند.

در تمام این سال‌ها که پیگیر شبکه مسائل نظام آموزش و پرورش کشور بودم، کمتر کسی را دیدم و پای حرف‌هایش نشستم که مدافع اساتید فانی در این حوزه باشد. حتی وزاری که قبل و بعد از او در همان دولت روحانی مسئولیت گرفتند هم از منتقدان رویه‌های فانی بودند. هم منتقد ادعاها و ریل‌گذاری‌هایی که برای تامین نیروی

انا لله و انا الیه راجعون

برادر گرامی جناب آقای کارگذار

مصیبت وارده و تألیت گفت، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و مغفرت الهی و برای شما و خانواده محترم تان صبر و اجر مسالت داریم.

روزنامه فرهیختگان

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN  
روزنامه فرهنگیان WWW.FDN.IR

farhikhteganonline

فرهیختگان